

تبیین فرایند نفاق و دورویی در انسان بر پایه قرآن و روایات معصومین

مقاله پژوهشی
اصیل
Original
Article

ابتسام کوتی،^۱ سید جلال هاشمی،^۲ پروانه ولوی،^۳ مسعود صفایی مقدم^۴

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف تبیین فرایند نفاق و دورویی در انسان انجام شد. **روش:** روش پژوهش، نظریه پردازی داده بنیاد متنی بود. جامعه آماری، کتب معتبر اسلامی (قرآن کریم و ...) بود. **یافته‌ها و نتایج:** در الگو، عوامل علی عبارتند از: عدم تعقل و تفکر، عدم تعقل در قرآن، نیت بد، پیروی از شیطان، عدم فهم دین، شرک و کفر به خدا، دنیاپرستی، حقارت نفس و خودکم بینی. منفعت طلبی در زمینه‌های خاصی همچون: ناشکری نسبت به عطا الهی، فریبکاری و نیرنگ‌بازی، بی توجهی به نماز و عبادات، تمایل به بدی کردن، مادی گرایی، شک و تردید، حب ثناء، انگیزه‌های نفسانی، لغزشهای زبانی، داشتن ردائل اخلاقی رخ می‌دهد. شرایط تعدیل کننده و تشدید کننده شامل پرهیز از سخن چینی، انس و تعقل در قرآن، توکل بر خدا، پند و اندرز و تذکر، دعا کردن و مداومت در نماز جماعت است. انسان منفعت طلب، راهبردهایی از قبیل خوش‌زبانی و ظاهر سازی، ناسازگاری ظاهر و باطن، حرف بدون عمل، تمسخر، دورویی، ریا در اعمال و عبادات، هر لحظه به رنگی درآمدن و زیبا جلوه دادن بدی‌ها را اتخاذ می‌کند که پیامدهایی همچون: محرومیت از هدایت الهی، کوردلی، حبط عمل، عذاب اخروی، بی‌آبرویی در قیامت، محرومیت از بهشت، فتنه‌گری، تفرقه افکنی، حسرت و افسوس و محرومیت از پاداش الهی را به دنبال دارند.

واژگان کلیدی: فرایند، نفاق، دورویی، قرآن، روایات.

◆ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. e-kooti@stu.scu.ac.ir
۲. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول). نشانی: اهواز؛ بلوار گلستان، دانشگاه شهید چمران. نمابر: ۳۳۲۲۶۷۷۷/j.hashemi@scu.ac.ir
۳. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. P.valavi@scu.ac.ir
۴. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. M_safaei@scu.ac.ir

الف) مقدمه

صعود به قله‌های سعادت، اختصاص به بشر دارد؛ همچنان که سقوط به دره‌های شقاوت و نفاق نیز از جمله صفاتی است که در انحصار انسان است. در حیوانات، غالباً دورویی و دو چهرگی دیده نمی‌شود. نشانه‌ای که در حیوان ظهور و بروز می‌کند، ناشی از همان حالتی است که دارد؛ اگر شاد شود، جست و خیز می‌کند؛ اگر خشمگین باشد، آثار خشم در صدایش ظاهر می‌شود و اگر دردی احساس کند، ناله می‌کند. توانایی نفاق ورزیدن، از جمله ویژگی‌های مختص بشر و ناشی از قرار گرفتن عقل در مسیری غیر از مسیر واقعی خود است؛ تا جایی که انسان می‌تواند با کسی در نهایت درجه دشمنی باشد، ولی در برخورد با او، نهایت دوستی را نشان دهد. (حسینی یکتا، ۱۳۸۱: ۱۱)

نفاق^۱ به لحاظ لغوی، به معنای دورویی^۲ کردن (معین، ۱۳۸۱: ۱۹۵۵) مکر، ریا (عمید، ۱۳۸۹: ۱۰۲۴)، کفر پوشیدن و ایمان آشکار کردن، کفر در دل نهفتن و ایمان به زبان آشکار کردن و دوزبانی است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۲۶۲۲). در معنای نفاق، دو عنصر وجود دارد: عنصر مخفی کاری و عنصر دورویی؛ از این رو، منافق کسی است که دورو بوده و این صفت خویش را پنهان کند. (زارعی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷)

نفاق که به معنای دورو بودن و یکسان نبودن در عمل و عقیده است، یکی از مشکلات جوامع دیندار بوده و هست. تازمانی که انسان فریفته هوی و هوس، جاه‌طلبی و جلب منفعت خویش است و دین و خدا را اصل نمی‌داند، گرفتار مشکلاتی است که از آنها رها نمی‌شود (غروی نائینی و غروی الخوانساری، ۱۳۸۳: ۶۰). ابن اثیر می‌گوید کلمه نفاق، اصطلاح اسلامی است به معنای تظاهر به ایمان و مخفی کردن کفر، و عرب تا آن زمان معنای مخصوص آن را نمی‌دانسته است و شناخت عرب از این واژه، در این حد بوده است که نفاق از واژه «نافقا» مشتق شده که به معنای یکی از سوراخهای فرار موش صحرايي است (ابن اثیر، ۱۳۹۹، ج ۵: ۹۸). پس می‌توان گفت که منافق به جماعتی یا کسی گفته می‌شود که دارای جهت‌گیری ضد دینی باشد و خلاف آن را به مؤمنین ابراز کند (حسینی یکتا، ۱۳۸۱: ۱۱). طبرسی معتقد است منافق را به این دلیل با این نام می‌خوانند که از ایمان به کفر خارج می‌شود (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۴۵) یا به این دلیل که منافق به سوی کافر، با کفر خارج می‌شود و به سوی مؤمن، با ایمان (همان، ج ۱: ۸۶). امام صادق (ع) می‌فرمایند: شخص منافق به شریعت اعتقادی ندارد، عقیده ثابت و هدف معینی ندارد و رفتار او بر خلاف باطن و قلب اوست. از این رو، بر اساس عقاید

1. Nifaq
2. Hypocrisy

تبیین فرایند نفاق و دورویی در انسان بر پایه قرآن... ♦ ۹۷

انسانهای متدین و معتقد به دینداری، تظاهر می‌کنند (منسوب للامام الصادق، ۱۴۰۰: ۱۴۴). امام علی (ع) نیز در خطبه ۱۹۴ به صفات منافقان اشاره می‌کند و مسلمانان را از خطرات آنها آگاه می‌سازد و به همگان هشدار می‌دهد و چنان وصف دقیقی برای آنها ذکر می‌کند که هیچ کس با این دقت، اوصاف اهل نفاق را بیان نکرده است.

امام علی (ع) در بیان اوصاف منافقان می‌فرماید: «شما را از منافقان برحذر می‌دارم؛ زیرا آنان مردمانی گمراه و گمراه‌کننده‌اند؛ خود لغزیده‌اند و دیگران را می‌لغزانند؛ به رنگهای گوناگون و حالات مختلف درمی‌آیند؛ با هر وسیله و از هر طریقی قصد (فریب و گمراهی) شما می‌کنند و در هر کمینگاهی به کمین شما می‌نشینند. دل‌هایشان بیمار است و ظاهرشان آراسته و تمیز. مخفیانه عمل می‌کنند و چون خزنده‌ای زهرناک آهسته می‌خزند و بی‌خبر زهر خود را می‌ریزند. شرح و بیانشان، دارو و گفتارشان شفاست؛ اما کردارشان درد بی‌درمان است. به رفاه و آسایش مردم حسادت می‌ورزند و به آتش بلا و گرفتاری (مردمان) دامن می‌زنند و نومید می‌کنند. در هر راهی، به خاک هلاکت افکننده‌ای و برای نفوذ در هر دلی، وسیله‌ای و برای هر غم و اندوهی، اشک‌هایی (دروغین) دارند. مدح و ستایش به هم قرض می‌دهند و از یکدیگر انتظار پاداش (ستایش متقابل) دارند. اگر چیزی بخواهند، پافشاری می‌کنند و اگر سرزنش کنند، پرده‌داری می‌کنند و اگر حکم کنند، زیاده‌روی می‌ورزند. در مقابل هر حقی، باطلی در چننه دارند و در برابر هر راستی، کژی و برای هر زنده‌ای، قاتلی و برای هر دری، کلیدی و برای هر شبی، چراغی. چشم نداشتن و بی‌نیازی را دستاویز طمع قرار می‌دهند تا از این راه، بازار خود را داغ کنند و کالاهایشان را رونق بخشند. می‌گویند و ایجاد شبهه می‌کنند؛ وصف می‌کنند و حقیقت را وارونه جلوه می‌دهند؛ راه (ورود به مسیر باطل) را آسان می‌کنند و تنگه (آن را) کج و دشوار می‌سازند (تا افراد به راحتی قدم به راه باطل گذارند و در پیچ و خمهای آن سرگردان شوند و بیرون شدن از آن برایشان ناممکن یا دشوار شود). اینان دار و دسته شیطان‌اند و زبانه‌های انبوه آتش؛ آنان حزب شیطان‌اند و بدانید که حزب شیطان همان زیانکارانند»^۱. (نهج البلاغه: ۳۰۷)

درباره نفاق، روایات فراوانی وارد شده است؛ زیرا صورت، نشانه باطن است و زبان نیز بر باطن دلالت می‌کند و منظور از این روایات، این است که فردی که دارای شخصیت دوگانه، دو شخصیت متضاد است، منافق است؛ چون منافق هم دو چهره دارد و هر لحظه و هر زمان خودش را در چهره‌ای و لباسی و زبانی نشان می‌دهد. از نظر اجتماعی، بزرگ‌ترین

مشکلات و بدبختی‌ها توسط این افراد ایجاد می‌شود؛ زیرا با هر گروهی که نشست و برخاست کنند، هم‌رنگ همان گروه می‌شوند.

بنابر این، نفاق یعنی دورویی و داشتن ظاهر و باطنی مخالف هم. اگرچه نفاق یکی از اوصاف خبیثه است، اما بسیاری از ردائل اخلاقی در بستر آن نشو و نما می‌کنند و استمرار آن، این صفات را شدت می‌بخشد و انسان را هر چه بیشتر به سوی ردائل و قبایح سوق می‌دهد (حسینی یکتا، ۱۳۸۱: ۱۱). این آفت خطرناک، ارزش و شرافت انسان را بر باد می‌دهد و سقوط اخلاقی را برای او به همراه دارد. بروز نفاق، جامعه را آشفته می‌کند و از هم می‌پاشد؛ زیرا مانع بزرگ همسویی و همدلی و همکاری افراد است (غروی نائینی و غروی خوانساری، ۱۳۸۳: ۶۱) و آدمی را گام به گام از انسانیت و مدار آن بیرون می‌راند و به تباهی مطلق در دنیا و آخرت در فکر و عمل می‌کشاند.

در این پژوهش، منظور از نفاق در انسان، تضاد و ناهماهنگی ظاهر و باطن اوست. به منظور آگاهی از فرایند و چگونگی ایجاد نفاق در انسان و مداخله در این فرایند، مطالعه حاضر با به کارگیری روش پژوهش داده‌بنیاد متنی تلاش می‌کند الگوی نفاق در انسان را با کاوش در آیات و روایات، تبیین و ارائه کند. بر این اساس و به منظور ارائه الگوی مذکور، سؤالات متعددی طرح و بررسی می‌شوند که عبارتند از: مطابق آیات و روایات، نفاق در انسان چیست؟ عوامل علی اثرگذار بر نفاق کدام‌اند؟ به عبارتی؛ چه چیزی باعث نفاق در انسان می‌شود و بر آن اثر می‌گذارد. شرایط خاصی که بر راهبردهای نفاق در انسان تأثیر می‌گذارند، کدام‌اند؟ اقدامات و کنش و واکنش‌هایی (راهبردها) که طی فرایند نفاق در انسان توسط خود او به کار گرفته می‌شوند، کدام‌اند؟ چه نتایج و اثراتی به واسطه انجام این اقدامات و کنش و واکنش‌ها (راهبردها) حاصل می‌شود؟

۲. پیشینه پژوهش

بزرگ‌زاده (۱۳۸۷) در مطالعه خود با عنوان «نفاق و منافقین از منظر قرآن»، دریافت که نفاق رفتاری است که از انگیزه‌های دنیوی و مادی ناشی می‌شود. در این حالت، بشر به راستی به امری اعتقاد باطنی ندارد؛ بلکه از روی انگیزه‌های خاصی به اعتقاد تظاهر می‌کند. ریشه‌یابی نفاق و رفتار منافقان نشان می‌دهد که اهل نفاق انگیزه‌های مختلفی دارند و عوامل گوناگونی می‌تواند منشأ نفاق و رفتار منافقانه باشد.

آخوندی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان «سنخ‌شناسی نفاق در قرآن مجید (بررسی جامعه‌شناختی پدیده نفاق)»، دریافت که منافقان افرادی دو چهره‌اند و دائماً در حال رفت و

آمد بین کفر و ایمان‌اند. منافعشان تعیین‌کننده تصمیم‌ها، کنشها، گرایشها و گفتارهای آنهاست. از دین به عنوان ابزاری برای تحقق هدفشان استفاده می‌کنند. به دلیل تضاد و دوگانگی شخصیتی، در جامعه به راحتی قابل تشخیص نیستند؛ به همین سبب، راه شناخت آنان بروز نقاط عطف و حساس در زندگی است. در نتیجه، نفاق آسیب بسیار جدی ایمان است که با چهار راهکار اصلاح خود و گذشته، بازگشت و پابندی به دین و اخلاص، قابل اصلاح است.

جمشیدی حسن‌آبادی و ناصری کریموند (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «بررسی ویژگی‌های منافقان در قرآن کریم» به این نتیجه رسیدند که بررسی آیات مربوط به منافقین نشان می‌دهند که ویژگی‌های منافقان را می‌توان در چهار بعد: فردی روانی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مورد بحث قرار داد که هر یک از این ابعاد نیز مواردی را شامل می‌شود. مهم‌ترین ویژگی‌های فردی روانی عبارتند از: بیماری روحی، لجاجت، ترس و اضطراب، هواپرستی و... از ویژگی‌های سیاسی می‌توان به دوستی با بیگانگان، فتنه‌گری، ولایت‌ستیزی و... اشاره کرد. اهم ویژگی‌های فرهنگی عبارتند از: دروغ‌گویی و ریاکاری، وعده‌های دروغین، ظاهرسازی و... در بعد اجتماعی نیز شماتت، شعار اصلاح و ایمان سردادن، کینه‌توزی و... از ویژگی‌های بارز منافقین می‌باشند.

زارعی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان «تبیین ارتباط فتنه و نفاق در نگاه قرآن و حدیث» دریافته‌اند که نسبت میان فتنه‌گر و منافق، نسبت عموم و خصوص مطلق است؛ با این بیان که هر منافقی می‌تواند فتنه‌گر باشد، اما همه فتنه‌گران لزوماً منافق نیستند و ممکن است از مشرکان، شیاطین، یهودیان یا حتی مسلمانان ضعیف‌الایمان باشند.

بنی‌صفر (۱۴۰۱) در مطالعه خود با عنوان «زمینه‌ها و شیوه مبارزه با نفاق از نظر قرآن کریم» به این نتیجه رسید که قرآن کریم با شیوه‌های عملی و نظریه خاص خود، توصیه‌ها و برنامه دقیق و جامعی را در رابطه با نفاق ارائه کرده است. این یافته‌ها نشان داد که کتاب الهی در ارتباط با نفاق، با برنامه‌ریزی و به صورت گام به گام و متناسب با شرایط فکری و زمانی موجود در جامعه، به طی مراحل می‌پردازد. این مراحل عبارتند از: مسئله‌شناسی و تشخیص، فرهنگ‌سازی، تبلیغ‌گفتمان جدید، بیان پیامدهای نفاق و شیوه برخورد با منافقان.

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده نشان‌دهنده آن است که تاکنون پژوهشی برای تبیین فرایند نفاق و دورویی در انسان بر پایه قرآن و روایات انجام نشده است و پژوهش حاضر در نوع خود، نوآورانه و جدید به شمار می‌رود.

ب) روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد یا نظریه‌زمینه‌ای استفاده شده است. روش داده‌بنیاد، روشی کیفی و نظام‌مند است که به جای اتکا بر نظریه‌های موجود (و فرضیه‌سازی در پرتو نظریات موجود و سپس آزمون آنها)، خود به تدوین نظریه از طریق تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای داده‌ها اقدام می‌کند (استراوس و کرین، ۲۰۱۴). این روش به توضیح یک تعامل یا یک اقدام حول موضوع اصلی می‌پردازد و بر عناصر سه‌گانه مفاهیم، مقوله‌ها (طبقه‌ها) و قضیه‌ها یا آنچه در ابتدا فرضیه نامگذاری می‌شود، استوار است. سه فرایند روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد عبارتند از: ۱) کدگذاری باز، که شامل تشکیل مفاهیم و کشف مقوله‌هاست؛ ۲) کدگذاری محوری با هدف ایجاد و تبیین پیوند میان مفاهیم، مقوله‌ها و ارائه مدل مفهومی؛ ۳) کدگذاری انتخابی، که با هدف ارائه نظریه از طریق کدگذاری انتخابی به تجزیه و تحلیل و یکپارچه کردن مفاهیم و مقوله‌ها می‌پردازد (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶). بر اساس این روش، در گام نخست پژوهش حاضر و در بررسی آیات و روایات دال بر نفاق، دو پرسش کلی کانونی و فرایندی، مطرح و کار اکتشافی (کشف الگو یا نظریه) آغاز می‌شود. پرسش نخست عبارت از این است که مطابق آیات و روایات، نفاق چیست و چگونه مطرح و آشکار شده است. پرسش فرایندی عبارت از این است که گامها و مراحل نفاق در آیات و روایات کدام‌اند و اصطلاحاً فرایند نفاق مطابق آیات و روایات چگونه است. همچنین بر پایه سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی در این روش تحقیق، پرسشهایی مطرح و در فرایند پژوهش پاسخ داده می‌شوند. براینکه این مرحله، تبیین الگوی نفاق در انسان است.

۱. جامعه و نمونه آماری

در مطالعه حاضر به منظور تبیین الگوی نفاق در انسان، کتب معتبر اسلامی^۲ به عنوان جامعه آماری پژوهش و آیات و روایات مرتبط با بحث نفاق به عنوان نمونه پژوهش در نظر گرفته شده است. در چنین مطالعاتی معمولاً نمونه‌گیری به روش هدفمند^۳ شروع شده، سپس به

1. Strauss & Corbin

۲. قرآن کریم، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، الکافی، غررالحکم و دررالکلم، بحار الانوار، کنز العمال، تحف العقول، الترغیب و الترہیب، الاختصاص، فقه الرضا، الخرائج و الجرائح، اعلام‌الدین فی صفات المؤمنین، نهج‌البلاغه، شرح نهج‌البلاغه، تفسیر العیاشی، معانی الاخبار، منیہ المرید، عدہ الداعی و نجاح الساعی، الاصول الستہ عشر، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تفسیر القمی، جامع الصغیر، وسائل الشیعہ، مستدرک الوسائل، ورام (تبیین الخواطر و نزہہ النواظر)، التمجیص، ضیاء الشہاب فی شرح شہاب الاخبار، لثالی الاخبار، سفینہ البحار و مدینہ الحکم و الآثار، امالی، مکارم الاخلاق، الخصال، جامع الاخبار، تحریر المواعظ العدیدہ، من لایحضرہ الفقیہ، المحججہ البیضاء، الامالی

3. Purposive Sampling

تبیین فرایند نفاق و دورویی در انسان بر پایه قرآن... ♦ ۱۰۱

منظور گسترش مفهوم مدّ نظر، با نمونه‌گیری نظری^۱ ادامه می‌یابد. در این پژوهش برای دستیابی به آیات و روایات مرتبط، پژوهشگر بعد از مفهوم‌شناسی نفاق، کلیه آیات و روایات را که ربط و نسبتی، چه از لحاظ مفهومی و لفظی و چه از نظر معنایی و مضمونی با نفاق دارند، به عنوان نمونه انتخاب می‌کند. در نمونه‌گیری نظری، پژوهشگر نمونه خود را از مفاهیم و نه از اشخاص می‌گیرد. محقق نشانه‌های آن مفاهیم را هدفمندانه جستجو می‌کند و به بررسی داده‌ها می‌پردازد تا کشف کند که مفاهیم در شرایط متفاوت چگونه تغییر پیدا می‌کنند. اصل بنیادین در نمونه‌گیری نظری این است که جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها همزمان با هم پیش می‌رود. نمونه‌گیری نظری بعد از نخستین اقدام به تحلیل و بررسی آیات و روایات دالّ بر مفهوم نفاق شروع می‌شود و در سراسر فرایند تحقیق ادامه می‌یابد. این نمونه‌گیری صرفاً زمانی به اتمام می‌رسد که فرایند تحقیق خاتمه یافته باشد (استراوس و کربین، ۲۰۱۴). همچنین برای مشخص کردن تعداد مفاهیم، معین کردن محل داده‌های مدّ نظر در متن و نیز یافتن مسیر پژوهش، از نمونه‌گیری نظری استفاده می‌شود.

۲. صحت و استحکام داده‌های پژوهش

کربین ۱۰ معیار برای کیفیت تحقیق گراند نظریه میدانی ارائه داده است که عبارتند از: تناسب یافته‌ها با داده‌ها، قابلیت کاربرد یافته‌ها، سازماندهی یافته‌ها در قالب مفاهیم، زمینه‌ای بودن مفاهیم، منطقی و قابل باور بودن یافته‌ها، عمیق بودن، واریانس، خلاقیت، حساسیت و مدارک مربوط به یادآورها (استراوس و کربین، ۲۰۱۴). علاوه بر اینها، محققان روش تحقیق کیفی، معمولاً در سخن گفتن از روایی تحقیق به واژه‌هایی از قبیل «قابل دفاع» بودن، «باورپذیری» و «امانتداری» بودن اشاره دارند (فقیهی و علیزاده، ۱۳۸۴: ۹). پژوهش حاضر، شاخصهای باورپذیری، قابل دفاع بودن و امانتداری را به دلیل نقل داده‌ها و ذکر دقیق آیات و روایات از منابع معتبر اسلامی، به صورت حداکثری داراست. اعتبارسنجی پژوهش حاضر و اعمال تأیید نهایی آن، منوط به ارائه نتایج حاصل از پژوهش به افراد صاحب نظر و دریافت بازخورد از آنان بود. همچنین «ممیزی تحقیق» که برای بهبود قابلیت اطمینان به بررسی فرایند و نتایج حاصل از پژوهش توسط داوران برای تعیین سازگاری آنها می‌پردازد (مایز و پوپ، ۲۰۰۲: ۵۰-۵۲؛ نقل از: مهربای و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶)، به دلیل بهره‌مندی مستمر از نظر استادان تربیت اسلامی متخصص در فلسفه تربیت، روش مناسبی برای پایایی در تحقیق کیفی است.

1. Theoretical Sampling
2. Mays & Pope

۳. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، تجزیه و تحلیل بر اساس الگوی کربین و استراوس (۲۰۰۸) انجام شده که دارای چهار مرحله است: (۱) تحلیل مفهوم؛ (۲) تحلیل برای زمینه؛ (۳) تحلیل برای فرایند؛ (۴) ادغام طبقات (استراوس و کربین، ۲۰۱۴). در این بخش پژوهش، کوشش می‌شود تا ضمن بیان داده‌های جمع‌آوری شده از آیات و روایات، فرایند استخراج مفاهیم اصلی و کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی، انجام و چارچوب نظری پژوهش آشکار شود. با تجزیه و تحلیل مطالب گردآوری شده در کدگذاری باز و تشخیص مفاهیم پنهان در آنها طی دو مرحله، کشف تمایز موضوعات و جداسازی آنها، طبقه‌بندی موضوعات مشابه ذیل یک عنوان واحد در گام بعدی، علل و عوامل نفاق، عوامل معد و تسهیل‌کننده، عوامل محل و مداخله‌گر، راهبردهای کنشی در برابر نفاق، پدیده کانونی و پیامدهای نفاق کشف می‌شود. ارتباط بین مفاهیم اصلی در کدگذاری محوری تعیین می‌شود که در مدل پارادایمی نمایش داده خواهد شد و در کدگذاری انتخابی الگوی نظری پدیدار می‌شود. در این بررسی با انجام فرایند کدگذاری (باز، محوری و گزینشی) روی آیات و روایاتی که در ارتباط کامل با مفهوم نفاق‌اند، الگو یا نظریه‌ای برای نفاق تبیین و ارائه می‌شود. نظریه زمینه‌ای این پژوهش، نظریه‌ای توصیفی و برخاسته از آیات و روایات است که فرایند نفاق در انسان را نشان می‌دهد.

ج) یافته‌های پژوهش

۱. کدگذاری باز

در پژوهش حاضر، کدگذاری باز عبارت است از فرایند اختصاص کد به آیات و روایات. محقق در مرحله کدگذاری باز تلاش می‌کند تا داده‌ها را در قالب مفاهیم (کدها) درآورد. مفهوم، پدیده مد نظر پژوهشگر است. مقوله‌ها، مفاهیمی‌اند که معنای پدیده مد نظر را می‌رسانند.

جدول ۱: کدگذاری باز مفهوم نفاق در انسان

نکته کلیدی، کد	حدیث
----------------	------

۱. در این بخش به سبب رعایت حجم مقاله، تنها جدول عوامل علی نفاق آورده شد و از ذکر جداول عوامل معد، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها صرف نظر شد.

تبیین فرایند نفاق و دورویی در انسان بر پایه قرآن... ♦ ۱۰۳

<p>عدم استفاده از ابزارهایی مانند عقل برای تشخیص درست و نادرست، عدم تعقل در امور عامل انحراف و نفاق انسان</p>	<p>«... إِنَّ لِسَانَ الْمُنَافِقِ آمَامَ قَلْبِهِ فَإِذَا هَمَّ بِشَيْءٍ أَمْضَاهُ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَتَدَبَّرْهُ بِقَلْبِهِ» (ورام، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۰۶)؛ بدون فکر و اندیشه حرفی را به زبان می‌آورند، بدون اینکه به عواقب آن فکر کنند.</p>
<p>تفاوت و تناقض بین گفتار و عمل موجب قرار گرفتن در زمره منافقان</p>	<p>«...يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ يَنْسَوْنَ أَنفُسَهُمْ وَ هُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا يَعْقِلُونَ؟!» (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۱: ۲۱۲۱۸/۴۲۰)؛ فقط دیگران را به خوبی‌ها سفارش می‌کنند؛ در حالی که خود به آنچه می‌گویند و سفارش می‌کنند عمل نمی‌کنند.</p>
<p>دل بستگی به دنیای فانی و غفلت از آخرت محور اصلی نفاق انسان</p>	<p>«...و لَا تُؤْتِرُ الْعَاجِلَةَ عَلَى الْآجِلَةِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ شِيمَةُ الْمُنَافِقِينَ وَ سَجِيَّةُ الْمَارِقِينَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۵۳/۷۶۳)؛ از خصائص منافقان، بی‌توجهی به آخرت و وابستگی به جهان مادی و گذراست.</p>
<p>نفاق از حس کردن عقده و حقارتی در درون خود</p>	<p>الإمام علی(ع): «نفاق المرء من ذلَّ يجلده في نفسه» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۹/۷۲۲)؛ به خاطر حقارتی که حس می‌کند، سعی می‌کند خود را در نظر دیگران خوب نشان دهد تا مورد پسند دیگران قرار گیرد و به این دلیل دچار نفاق و ناهماهنگی ظاهر و باطن می‌شود.</p>
<p>نفاق نتیجه دوری از خدا و همراهی شیطان</p>	<p>امام علی(ع): «... وَ عَلَى لِسَانِ الْمُنَافِقِ شَيْطَانٌ يَنْطِقُ» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰: ۲۱۸/۲۸۰). فاصله گرفتن از خداوند و دوستی با شیطان به نفاق انسان می‌انجامد.</p>
<p>نفاق موجب هلاکت و بدبختی انسان</p>	<p>امام علی(ع): «النفس الأمارة المسوؤة تتملق تملق المنافق، و تتصنع بشيئة الصديق الموافق، حتى إذا خدعت و تمكنت تسلطت تسلط العدو، و تحكمت تحكمت العتو، و أوردت موارد السوء» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۱۲۸/۱۲۰)؛ نفس بدفرمان ظاهر آرا، همچون منافق چاپلوسی می‌کند و خود را چون دوستی سازگار و دلسوز جلوه می‌دهد و همین که فریب داد و (بر انسان) دست یافت، چون دشمن مسلط می‌شود و با خودخواهی و قلدری فرمان می‌راند و (شخص را) به جایگاههای بدی و هلاکت می‌کشاند.</p>

جدول ۲: کدگذاری باز عوامل علی نفاق در انسان

نکته کلیدی، کد	آیه و حدیث
عدم تفکر و اندیشه در هنگام سخن گفتن	«صم بكم عمي فهم لا يرجعون» (بقره: ۱۸). نفاق، انسان را از درک حقایق و معارف الهی و تعقل باز می‌دارد.

	<p>«أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ» (بقره: ۱۲). منافقان دائماً در حال فساد هستند و از مسیر حق منحرف شده، ولی نمی فهمند.</p> <p>«هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَّا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَلَكِنَّ خَزَائِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَّا يَفْقَهُونَ» (منافقون: ۷). فهم منافقان بر اساس محاسبات ظاهری است و عمق ندارد.</p> <p>پیامبر (ص): «إِنَّ لِسَانَ الْمُنَافِقِ أَمَامَ قَلْبِهِ فَإِذَا هَمَّ بِشَيْءٍ أَمْضَاهُ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَتَدَبَّرْهُ بِقَلْبِهِ» (ورام، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۰۶)؛ زبان منافق جلوی دل اوست. هرگاه قصد سخن کند، آن را به زبان می آورد و درباره آن نمی اندیشد.</p>
<p>تلاوت قرآن و عدم تعقل در آن</p>	<p>رسول الله (ص): «رَأَيْتَ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ فَمَا تَقَرَّرْتُ شِفَاهُهُمْ بِمَقَارِيضٍ مِنْ نَارٍ ثُمَّ تَرُمِي، فَقُلْتُ: يَا جِبْرَائِيلُ، مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: حُطَبَاءُ أُمَّتِكَ، يَا مَرُونَ النَّاسِ بِالْبِرِّ وَ يَنْسُونَ أَنْفُسَهُمْ وَ هُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا يَعْقِلُونَ؟!» (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۱: ۲۱۸/۴۲۰)؛ در شب معراج گروهی را دیدم که لبانشان را با قیچی های آتشین می بریدند و دور می انداختند. پرسیدم: ای جبرئیل! اینها کیانند؟ گفت: خطیبان امت تو هستند که مردم را به نیکی ها فرمان می دهند و خود را از یاد می برند، در حالی که کتاب خدا را تلاوت می کنند. آیا تعقل نمی ورزند؟</p>
<p>غفلت کردن در هنگام سکوت</p>	<p>امام علی (ع): «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا سَكَتَ تَفَكَّرَ... وَالْمُنَافِقُ إِذَا سَكَتَ سَهَا» (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۱۲)؛ سکوت مؤمن، تفکر و سکوت منافق، غفلت است.</p>
<p>نیت بدتر از عمل</p>	<p>رسول الله (ص): «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نِيَّةُ الْمُنَافِقِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ» (نوری طبرسی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۶۳/۹۱)؛ نیت مؤمن بهتر از عمل او و نیت منافق بدتر از عمل اوست.</p>
<p>از جانب شیطان سخن گفتن</p>	<p>امام علی (ع): «عَلَى لِسَانِ الْمُؤْمِنِ نُورٌ يَسْطَعُ وَعَلَى لِسَانِ الْمُنَافِقِ شَيْطَانٌ يَنْطِقُ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰: ۲۱۸/۲۸۰)؛ بر زبان مؤمن، نوری (الهی) است و درخشان و بر زبان منافق، شیطانی است که سخن می گوید.</p>
<p>حس کردن ذلت و زبونی</p>	<p>امام علی (ع): «نِفَاقُ الْمَرْءِ مِنْ ذُلِّ يَجِدُهُ فِي نَفْسِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۹/۷۲۲)؛ نفاق انسان، از ذلتی است که در خود حس می کند.</p>

تبیین فرایند نفاق و دورویی در انسان بر پایه قرآن... ♦ ۱۰۵

	<p>امام علی(ع): «النَّفَاقُ مِنْ أَثَافِي الدَّلِّ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۴۷۷/۷۷)؛ نفاق از دیگپایه‌های زبونی است.</p>
نشاختن دین و نداشتن سیرت نیکو	<p>امام صادق(ع): «الْمُؤْمِنُ لَا يُخْلَقُ عَلَى الْكُذْبِ وَلَا عَلَى الْخِيَانَةِ وَ خَصَلْتَانِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي الْمُنَافِقِ، سَمَتْ حَسَنٌ وَ فَهٌ فِي السُّنَّةِ» (حرانی، ۱۳۶۳: ۳۶۷)؛ مؤمن در سرشتش دروغ و خیانت نیست و دو صفت است که در منافق جمع نگردد: سیرت نیکو و دین‌شناسی.</p>
برادر بودن با شرک	<p>امام علی(ع): «النَّفَاقُ أَخُو الشَّرْكِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۸۷/۴۵)؛ نفاق، برادر شرک به (خداوند) است.</p>
همزاد بودن با کفر	<p>امام علی(ع): «النَّفَاقُ تَوَآمُ الْكُفْرِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۵/۷۸۹)؛ نفاق همزاد کفر است.</p>
ریا	<p>امام علی(ع): «وَأَعْلَمُوا أَنَّ يَسِيرَ الرِّيَاءِ شَرٌّ» (نهج البلاغه: ۹۳۸/۱۱۷)؛ و بدانید که ریا موجب شرک می‌شود.</p> <p>عده الداعی عن رسول الله (ص): «إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ الشَّرْكَ الْأَصْغَرَ. قَالُوا: وَمَا الشَّرْكَ الْأَصْغَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الرِّيَاءُ» (حلی، ۱۴۰۷: ۲۱۴)؛ بیشترین نگرانی من برای شما شرک کوچک است. عرض کردند: ای رسول خدا! شرک کوچک چیست؟ فرمود: ریا.</p>
دنیاطلبی و بی‌توجهی به آخرت	<p>امام علی(ع): «لَا تَلْتَمِسِ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ، وَلَا تُؤَثِّرِ الْعَاجِلَةَ عَلَى الْآجِلَةِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ شِيمَةُ الْمُنَافِقِينَ وَ سَجِيَّةُ الْمَارِقِينَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۶۳/۲۵۳)؛ کار آخرت را وسیله رسیدن به دنیا مکن و این جهان زودگذر را بر آخرت برمگزین؛ زیرا این کار خصلت منافقان و خوی از دین بیرون شدگان است.</p> <p>امام علی(ع): «وَمِنْهُمْ أَيْ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ، وَلَا يَطْلُبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا، قَدْ طَامَنَ مِنْ شَخْصِهِ وَ قَارَبَ مِنْ خَطْوِهِ وَ شَمَّرَ مِنْ ثَوْبِهِ، وَ زَخِرَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِلْأَمَانَةِ وَ اتَّخَذَ سِتْرًا لِلَّهِ دَرِيْعَةً إِلَى الْمَعْصِيَةِ» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۰۳۲/۱۷۴)؛ و برخی از مردم، با کار آخرت، دنیا را می‌طلبند و با کار دنیا، آخرت را نمی‌جویند. خود را باوقار نشان می‌دهند و با گامهای نزدیک به هم (سنگین) راه می‌روند. دامن جامه خود را بالا می‌زنند و خود را امین مردم وانمود می‌کنند و پرده پوشی خدا را وسیله گناه قرار می‌دهند.</p>

	امام صادق(ع): «أربع من علامات النفاق: قساوة القلب، و جمود العين، و الإصرار على الذنب، و الحرص على الدنيا» (مفید، ۱۴۱۳: ۲۲۸)؛ چهار چیز از نشانه‌های نفاق است: سخت‌دلی، خشکیدگی چشم، مداومت بر گناه و آزمندی به دنیا.
عدم فهم دین	رسول‌الله(ص): «خصلتان لا یكونان فی منافق: حسن سمت، و لا فقه فی الدین» (متقی الہندی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۷۷۶/۱۵۶)؛ دو خصلت است که در هیچ منافقی وجود ندارد: نیکویی روش و رفتار و فهم در دین.
	امام صادق(ع): «لا یجمع الله لمنافق و لا فاسق حسن السمیت و الفقه و حسن الخلق أبدا» (حرانی، ۱۳۶۳: ۳۷۰)؛ خداوند هرگز خوش راه و رسمی و دین‌فهمی و خوشخویی را در وجود منافق و فاسق جمع نمی‌کند.
عدم فهم سنت	امام صادق(ع): «خصلتان لا یجتمعان فی المنافق: سمت حسن، و فقه فی سنت» (حرانی، ۱۳۶۳: ۳۶۷)؛ دو خصلت است که در منافق فراهم نمی‌آیند: راه و رسم نیکو و فهم در سنت.
عدم فهم اسلام	رسول‌الله(ص): «خصلتان لا یجتمعان فی منافق: فقه فی الإسلام، و حسن سمت فی الوجه» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ۳/۳۴۳)؛ دو خصلت است که در منافق فراهم نمی‌آیند: فهم در اسلام، و برخورداری از سیمای نیکوکاران.

۲. کدگذاری محوری

پس از کدگذاری باز، فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها با انجام کدگذاری محوری ادامه می‌یابد. پژوهشگر در این مرحله، به استخراج مقوله‌ها از کدهای باز می‌پردازد و یکی از کدها را به عنوان مقوله محوری شناسایی می‌کند و سپس با بازگشت به داده‌ها، به شناسایی عوامل پنج‌گانه الگوی نفاق در انسان (علل مؤثر، راهبردها، زمینه خاص و شرایط مداخله‌گر گسترده، پیامدها) پرداخته می‌شود. کدگذاری محوری به چگونگی تلاقی مقوله‌ها با یکدیگر و به نحوه ارتباط آنها نظر دارد. در این مرحله کدگذاری، مقوله‌های مهم و مرتبط انتخاب می‌شوند و به طور خاص با رعایت ملاک‌هایی، پدیده محوری یا قانونی، تعیین و ارتباط سایر مقوله‌ها با آن ترسیم می‌شود.

۳. نتایج حاصل از مرحله کدگذاری محوری

جدول ۳: کدگذاری محوری و مفهوم‌سازی با توجه به عوامل علی نفاق در انسان

تبیین فرایند نفاق و دورویی در انسان بر پایه قرآن... ۱۰۷

عدم تفکر و اندیشه در هنگام سخن گفتن، غفلت کردن در هنگام سکوت	عدم تفکر و تعقل در قرآن
نیت بدتر از عمل	نیت بد
از جانب شیطان سخن گفتن، سلطه پذیری شیطان	پیروی از شیطان
نشناختن دین و نداشتن سیرت نیکو، عدم فهم دین و سنت و اسلام	عدم فهم دین
برادر بودن با شرک، همزاد بودن با کفر، ریا	شرک و کفر به خدا
دنیاطلبی و بی توجهی به آخرت	دنیاپرستی
حس کردن ذلت و زبونی	حقارت نفس و خودکم بینی

جدول ۴: کدگذاری محوری و مفهوم سازی با توجه به شرایط زمینه‌ای نفاق در انسان

سبکسری در رزق و روزی الهی، ناسپاسی کردن، سرکشی در هنگام بی نیازی	ناشکری نسبت به عطای الهی
حقه بازی و یکرنگ نبودن در رفتار	فریبکاری و نیرنگ بازی
شکم پرستی و اهمیت ندادن به نماز و روزه و عبادت، ترک نماز بدون عذر، با اکراه به مسجد رفتن و تأخیر در خواندن نماز	بی توجهی به نماز و عبادات
بدی کردن و نرنجیدن، افسوس خوردن بر انجام ندادن کار بد	تمایل به بدی کردن
ثروت اندوزی و وجود پیشوای نامناسب	مادی گرایی
شک در عمل، سرگردانی، شک و شبهه	شک و تردید
اغراق در ستایش یا سرزنش دیگران، انتظار تعریف بی جا از دیگران برای خود	حب ثنا
هوس، سهل انگاری، خشم و طمع	انگیزه های نفسانی
دروغگویی در گفتار، خرده گیری از دیگران، بیهوده گویی در هنگام سخن گفتن، غیبت و بدگویی از دیگران، نمایی کردن	لغزشهای زبانی
خیانت در امانت، تملق کردن، تکبر داشتن، جزع و بی تابی، سوء خلق و دشمنی، حسد ورزیدن	داشتن رذائل اخلاقی

جدول ۵: کدگذاری محوری و مفهوم سازی با توجه به شرایط مداخله گر نفاق در انسان

اجتناب از نمایی	پرهیز از سخن چینی
تلاوت کتاب خدا و تعقل در آن، انس و ارتباط مستمر با قرآن	انس و تعقل در قرآن
خدا ترس بودن، پناه بردن به خدا، ذکر خدا	توکل بر خدا
اندرز به تقوا	پند و اندرز و تذکر
صلوات فرستادن با صدای بلند بر پیامبر و اهل بیت، لبیک گویی در حال احرام، دعا، استجاب نماز	دعا کردن

شرکت مستمر در نماز جماعت	مداومت در نماز جماعت
--------------------------	----------------------

جدول ۶: کدگذاری محوری و مفهوم‌سازی با توجه به راهبردهای نفاق در انسان

خوش‌زبانی و ظاهرسازی	در حضور دیگران کوشا و تلاشگر و بر طاعت خدا پافشاری می‌کند و در تنهایی سست و تبیل، خود را مطیع خدا نشان دادن، مختار بودن در نوع گریه، تظاهر به ناامیدی برای رسیدن به منافع خویش، حرف زدن مطابق اعتقادات دیگران و عمل بر خلاف آن اعتقادات، امر کردن به طاعت خدا و خود به آنها عمل نکند و خواهان معصیت باشد، مدح و ثنای ظاهری
ناسازگاری ظاهر و باطن	ظاهری آرام و باطنی پردغدغه، ناسازگاری زبان و دل و عمل، یکی نبودن زبان و دل در آشکار و نهان، ایمان آوردن ظاهری و انکار باطنی
حرف بدون عمل	سپاسگزاری و پرهیزکاری در حد کلام، پر حرف و کم کار، داشتن علم و دانش در حد کلام
تمسخر	کار دیگران را زیر سوال بردن، استهزا، بدی کردن به دیگران و خندیدن به آنها
هر لحظه به رنگی درآمدن	هر لحظه به رنگی بودن، تغییر دادن خلق
دورویی	ایمان ظاهری و کفر باطنی، دورو بودن، زبان زیبا و دلی پلید، ظاهری با محبت و دلی پر از نیرنگ، دو چهره بودن، ستایش ظاهری و بدگویی پنهانی، داشتن برگ‌هایی سبز اما مزه‌آبی تلخ، داشتن ظاهری موافق و باطنی مخالف، داشتن باطنی پلید و ظاهری زیبا، گفتار شیرین و دل‌گرگ، دوستی ظاهری با خدا و دشمنی پنهانی، ظاهری خوب و باطنی مشرک، جامه‌اش جامه پیامبران باشد و کردارش کردار جباران، ظاهر نیک در نزد مردم و کردار بد در نزد خدا
ریا در اعمال و عبادات	انجام کار نیک برای غیر خدا، وانمود به خدا ترس بودن برای جلب احترام، خودنمایی و عمل بدون اخلاص، خوش دانستن شهرت طلبی، نماز خواندن برای جلب توجه دیگران، عمل خدایی و نیت غیر خدایی، انجام کار ثواب با نیت دریافت ستایش دیگران، نماز خواندن، روزه گرفتن، بنده آزاد کردن و حج رفتن برای دریافت تعریف و تمجید دیگران، به زبان آوردن کار نیک انجام شده، خواندن قرآن با نیت شهرت
زیبا جلوه دادن بدی‌ها	زیبا جلوه دادن کار بد در نظر دیگران

جدول ۷: کدگذاری محوری و مفهوم‌سازی با توجه به آثار و پیامدهای نفاق در انسان

محروریت از هدایت الهی	مانع مغفرت و هدایت، واگذاشتن شخص به غیر خدا
کوردلی	بر دل مهر زدن، سیاه شدن دل

تبیین فرایند نفاق و دورویی در انسان بر پایه قرآن... ۱۰۹

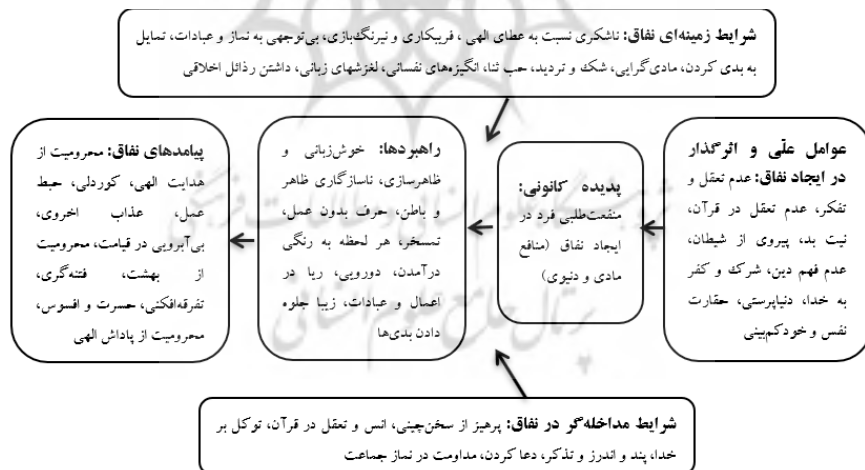
حبط عمل	تباه شدن ایمان، مانع قبولی روزه و منجر به عذاب قبر، نابودی اعمال عبادی، سبکی ترازوی اعمال، بر باد رفتن مزد، نپذیرفتن اعمال
عذاب اخروی	محشور شدن با دوچهره و زبان آتشین، عذاب منافقان، عذاب شدید، کیفر الهی، جاودانگی در دوزخ، گرفتار قهر خداوندی، کشاندن شخص به هلاکت و جایگاه بد، عذاب قبر، افراد دوبهم زن سگ‌های جهنم‌اند، گرفتاری به هزاران عذاب، سرنگونی در آتش، مسلط شدن آتش بر قبر، بریدن زبان افرادی که امر به نیکی می‌کنند اما خود عمل نمی‌کنند، فریاد دوزخیان از دست ریاکاران، جاودانگی در آتش دوزخ، بدترین جایگاه در دوزخ، همنشینی با کفار در دوزخ، وعده دادن عذاب، سختترین عذاب در روز قیامت، برانگیخته شدن بر اثر نفاق درونی
بی‌آبرویی در قیامت	نداشتن منزلت نزد خدا، امین و درستکار نبودن، بدترین مردم، اکراه از شنیدن صدای منافق، دشمن شمردن او، بدترین مخلوق
محرومیت از بهشت	حرام شدن بهشت بر شخص، راه نیافتن به بهشت
فتنه‌گری	بر پا شدن فتنه و آشوب
تفرقه‌افکنی	از دست دادن دوستان، تحقق نیافتن شرایط رفاقت، ایجاد تفرقه بین دوستان و دشمنی بین نزدیکان، از بین بردن دوستی و ایجاد کشمکش و نزاع، برادری او حرام
حسرت و افسوس	افسوس خوردن در روز قیامت
محرومیت از پاداش الهی	عدم دریافت پاداش الهی

۴. کدگذاری انتخابی

آخرین مرحله تحلیل و کدگذاری داده‌ها در روش داده‌بنیاد، کدگذاری انتخابی است که در آن، محقق پدیده کانونی یا محوری را انتخاب می‌کند و سپس مقوله‌های دیگر را به آن مرتبط ساخته، پس از اعتبارسنجی ارتباط میان مقوله‌ها، به تکمیل مقوله‌هایی که به پالایش و توسعه نیاز دارند می‌پردازد. همچنین به شیوه روایت گونه، روابط میان مقوله‌ها را در قالب نوشتار بازگو می‌کند. به عبارتی؛ پژوهشگر برای برقراری ارتباط میان مقوله‌ها، به بیان یک داستان می‌پردازد و برای پیش‌بینی ارتباط میان مقوله‌ها، گزاره‌ها و فرضیه‌ها را مشخص می‌سازد. نمودار ذیل گویای همین منظور است.

روایتی مختصر از الگوی نفاق در انسان از این قرار است: در نتیجه تلاوت قرآن و عدم تعقل در آن و همچنین به دلیل داشتن نیت بد، عدم تعقل و تفکر، پیروی از شیطان، عدم فهم دین، شرک و کفر به خدا، دنیاپرستی، حقارت نفس و خودکم‌بینی؛ بین ظاهر و باطن انسان

تضاد و تناقض پیش می‌آید که طی آن، انسان به دنبال منافع مادی و دنیوی خویش است و سعی می‌کند تنها در ظاهر، خود را فردی مثبت و مطیع اوامر الهی نشان دهد. منفعت‌طلبی انسان در ایجاد نفاق در خود، پدیده‌ی کانونی مدل را تشکیل می‌دهد. برخی شرایط زمینه‌ای خاص و تسهیل‌کننده‌ی ایجاد نفاق در انسان عبارتند از: ناشکری نسبت به عطای الهی، فریبکاری و نیرنگ‌بازی، بی‌توجهی به نماز و عبادات، تمایل به بدی کردن، مادی‌گرایی، شک و تردید، حب ثنا، انگیزه‌های نفسانی، لغزشهای زبانی، داشتن ردائل اخلاقی. همچنین در این مدل، عواملی همچون: پرهیز از سخن چینی، انس و تعقل در قرآن، توکل بر خدا، پند و اندرز و تذکر، دعا کردن و مداومت در نماز جماعت، به عنوان شرایط عام مداخله‌گر در روند ایجاد نفاق در فرد، سبب‌کننده‌ی روند نفاق یا مانع از ایجاد نفاق می‌شوند. شخص خواهان نفاق، راهبردهایی از قبیل خوش‌زبانی و ظاهرسازی، ناسازگاری ظاهر و باطن، حرف بدون عمل، تمسخر، دورویی، ریا در اعمال و عبادات، هر لحظه به رنگی درآمدن و زیبا جلوه دادن بدی‌ها را اتخاذ می‌کند. نفاق انسان پیامدهایی همچون: محرومیت از هدایت الهی، کوردلی، حبط عمل، عذاب اخروی، بی‌آبرویی در قیامت، محرومیت از بهشت، فتنه‌گری، تفرقه‌افکنی، حسرت و افسوس و محرومیت از پاداش الهی را برای فرد به دنبال دارد.



نمودار ۱: الگوی نفاق انسان در آیات و روایات

د) بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد متنی، الگوی نفاق تبیین و ارائه شود. نفاق در انسان به تضاد و تناقض ساحات درونی و بیرونی او اشاره دارد. بر این اساس، چنانچه انسان دغدغه منافع مادی و دنیوی داشته باشد، برای رسیدن به منافع خود باید بیش از هر چیز سعی کند ظاهری زیبا و جذاب، چه در گفتار و چه در رفتار از خود نشان دهد. اما آن سخنان جالب و جذاب، خلاف قلب و عقیده اوست و کارهایی را که در حضور مردم انجام می‌دهد، قلب او مخالف آن کارهاست و نیز ظاهر او مخالف باطن اوست؛ لذا بیشترین سرمایه‌گذاری منافق در ابراز و نشان دادن چهره‌ای خلاف واقع از خود است. از سوی دیگر، او سخنان و کارهایی نیز دارد که موافق قلب اوست؛ اما آن سخنان را مخفیانه به دوستان و همفکران خود می‌گوید و کارهایش را پنهانی و دور از دید مردم انجام می‌دهد. در بررسی محتوایی و تحلیل کدگذاری‌های احادیث، مدل نفاق در مقوله‌های پنج‌گانه به این شرح دسته‌بندی شد: عوامل مؤثر بر ایجاد مقوله هسته‌ای و کانونی نفاق (عدم تعقل و تفکر، عدم تعقل در قرآن، نیت بد، پیروی از شیطان، عدم فهم دین، شرک و کفر به خدا، دنیاپرستی، حقارت نفس و خودکم‌بینی)؛ شرایط زمینه‌ای نفاق (ناشکری نسبت به عطای الهی، فریبکاری و نیرنگ‌بازی، بی‌توجهی به نماز و عبادات، تمایل به بدی کردن، مادی‌گرایی، شک و تردید، حب‌ثنا، انگیزه‌های نفسانی، لغزشهای زبانی، داشتن ردائل اخلاقی)؛ شرایط مداخله‌گر در نفاق (پرهیز از سخن‌چینی، انس و تعقل در قرآن، توکل بر خدا، پند و اندرز و تذکر، دعا کردن، مداومت در نماز جماعت)؛ راهبردها و کنشهایی که انسان منفعت‌طلب برای ایجاد نفاق در خودش انجام می‌دهد (خوش‌زبانی و ظاهرسازی، ناسازگاری ظاهر و باطن، حرف بدون عمل، تمسخر، هر لحظه به رنگی درآمدن، دورویی، ریا در اعمال و عبادات، زیبا جلوه دادن بدی‌ها) و در نهایت، پیامدهای عمل نفاق در فرد (محرومیت از هدایت الهی، کوردلی، حبیط عمل، عذاب اخروی، بی‌آبرویی در قیامت، محرومیت از بهشت، فتنه‌گری، تفرقه‌افکنی، حسرت و افسوس، محرومیت از پاداش الهی). در الگوی به دست آمده نفاق، منفعت‌طلبی فرد در ایجاد نفاق، به عنوان مقوله محوری و کانونی الگو و حلقه اتصال، رابط و پیونددهنده میان تمامی عناصر (عوامل علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) آمده است. منفعت‌طلبی انسان در ایجاد نفاق، با تضاد و ناهماهنگی ظاهر و باطن ارتباط دارد؛ چون انسان برای رسیدن به منافع مادی

و دنیوی سعی می‌کند خود را بهتر از آنچه هست نشان دهد و کارهایی انجام می‌دهد یا حرفهایی می‌زند که در باطن به آنها اعتقادی ندارد.

پیشنهادها

- تحلیل محتوای اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش از منظر میزان توجه به مؤلفه‌های نفاق در انسان.
- بررسی تطبیقی الگوی نفاق در اسلام و دیگر ادیان.
- بررسی الگوی مفهومی آموزش اجتناب از نفاق در انسان به منظور تبیین دلالت‌های تربیتی آنان برای به کارگیری در نظام تعلیم و تربیت.



منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. محمد رضی بن حسن موسوی (۱۴۲۵ ق). بیروت: دار الکتب البنانی.
- آخوندی، محمدباقر (۱۳۹۳). «سنخ‌شناسی نفاق در قرآن مجید (بررسی جامعه‌شناختی پدیده نفاق)». آموزه‌های قرآنی، سال یازدهم، ش ۲۰: ۷۶-۵۳.
- ابن اثیر، مجدالدین (۱۳۹۹ ق). *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*. بیروت: المكتبة العلمیه.
- ابن ابی‌الحدید (۱۴۰۴ ق). *شرح نهج البلاغه*. قم: مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
- بزرگ‌زاده، حسین (۱۳۸۷). «نفاق و منافقین از منظر قرآن». *انسان پژوهی دینی (دین و سیاست)*، سال پنجم، ش ۱۸-۱۷: ۸۳-۵۷.
- بنی‌صفر، رخساره (۱۴۰۱). «زمینه‌ها و شیوه مبارزه با نفاق از نظر قرآن کریم». *علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم*، سال ششم، ش ۲: ۴۰-۲۸.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق). *غورالحکم و دررالکلم*. قم: دار الکتب الاسلامی، چ دوم.
- جمشیدی حسن‌آبادی، جواد و امان‌الله ناصری کریموند (۱۳۹۵). «بررسی ویژگی‌های منافقان در قرآن کریم». *پویش در آموزش علوم انسانی*، سال اول، ش ۲: ۴۴-۳۵.
- حرانی، ابن شعبه (۱۳۶۳). *تحف العقول*. قم: نشر اسلامی، چ دوم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ ق). *وسائل الشیعه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسینی یکتا، علی (۱۳۸۱). *شناخت منافقین: نگرشی موضوعی بر پدیده نفاق*. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه (نشر دیجیتالی).
- حلی، جمال‌الدین (۱۴۰۷ ق). *عده الداعی و نجاح الساعی*. بیروت: دارالکتب العربی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغتنامه (جلد چهاردهم)*. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران، چ دوم.
- دانایی‌فرد، حسن و سید مجتبی امامی (۱۳۸۶). «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد». *اندیشه مدیریت*، سال اول، ش ۲: ۹۷-۶۹.
- زارعی، اسماعیل؛ لاله افتخاری و شکرالله خاکرند (۱۴۰۰). «تبیین ارتباط فتنه و نفاق در نگاه قرآن و حدیث». *مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت*، سال چهارم، ش ۸: ۳۱-۷.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۱۵ ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی عمید (جیبی)*. تهران: راه رشد.
- غروی نائینی، نهلا و شهرزاد غروی الخوانساری (۱۳۸۳). «نفاق از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع)». *سفینه*، سال اول، ش ۴: ۷۷-۶۰.

- فقیهی، ابوالحسن و محسن علیزاده (۱۳۸۴). «روایی در تحقیق کیفی». مدیریت فرهنگ سازمانی، سال سوم، ش ۹: ۱۹-۵.
- متقی‌الهندی، علاء‌الدین علی بن حسام (۱۴۰۱ ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*. بیروت: مؤسسه الرساله، چ پنجم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). *بحار الانوار*. بیروت: موسسه الوفاء، چ دوم.
- معین، محمد (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی معین (دوره ۲ جلدی)*، تهران: آدنا.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). *الاختصاص*. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- منسوب للامام الصادق (ع) (۱۴۰۰ ق). *مصباح الشریعه*. بیروت: اعلمی.
- مهربانی، امیر حمزه؛ حسین خنیفر، علینقی امیری، حسن زارعی متین و غلامرضا جندقی (۱۳۹۰)، «معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی (ارائه یک نمونه)». مدیریت فرهنگ سازمانی، سال نهم، ش ۲۳: ۳۰-۵.
- نوری طبرسی، حسین (۱۳۶۸). *مستدرک الوسائل*. قم: موسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام، چ دوم.
- ورام، ابن ابی فراس (۱۴۱۰ ق). *مجموعه ورام (تنبيه الخواطر و نزهه النواظر)*. قم: مکتبه الفقیه.
- Strauss, A. & J. Corbin (2014). **Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques** (2nd ed. Thousand Oaks). CA: Sage.
- **The Holy Quran**.
- **Nahj al-Balaghah**. Mohammad Razi ibn Hassan Mousavi (2004). Beirut: Dar al-Kitab al-Banani.
- Akhundi, Mohammad Bagher (2014). "Theology of hypocrisy in the Holy Qur'an (a sociological study of the phenomenon of hypocrisy)". *Qur'anic Teachings*, 11th year, 20: 53-76.
- Amid, Hassan (2010). **Amid's Farsi Dictionary (Pocket)**. Tehran: Rah Rushd Publications.
- Attributed to Imam al-Sadiq (A.S.) (1979). **Misbah al-Sharia**. Beirut: Alami.
- Bani Safar, Rukhsareh (2022). "Areas and methods of fighting hypocrisy according to the Holy Quran". *Humanities and Islamic Sciences in the third millennium*, sixth year, No. 2: 28-40.
- Bozorgzadeh, Hossein (2008). "Hypocrisy and hypocrites from the perspective of the Qur'an". *Anthropology of Religion (Religion and Politics)*, Year 5, No. 17-18: 57-83.
- Danaei Fard, Hassan & Seyyed Mojtabi Emami (2007). "Qualitative Research Strategies: A Reflection on Foundational Data Theorizing". *Andisheh Management*, Year 1, No. 2: 69-97.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1998). **Dictionary of Dehkhoda (14th volume)**. Under the supervision of Mohammad Moin and Seyyed Jafar Shahidi. Tehran: Tehran University Press, second edition.

- Faqihi, Abolhasan & Mohsen Alizadeh (2005). "**Validity in qualitative research**". *Management of organizational culture*, third year, No. 9: 5-19.
- Gharavi Naini, Nahla & Shahrazad Gharavi Al-Khansari (2004). "**Hypocrisy from of view of Amir al-Mu'minin (A.S.)**". *Safina magazine*, first year, 4: 60-77.
- Harrani, Ibn Shuba (1984). **Tohf al-Aqool**. Qom: Islamic Publication Institute, second edition.
- Heli, Jamal al-Din (1986). **Adah al-Da'i and Najah al-Sa'i**. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Hor Amili, Mohammad bin Hassan (1991). **Wasal al-Shia**. Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi.
- Hosseini Yekta, Ali (2002). **Knowing the Hypocrites: A Thematic Approach to the Hypocrisy Phenomenon**. Digital Publication: Qaemieh Computer Research Center of Isfahan.
- Ibn Abi al-Hadid (1983). **Commentary on Nahj al-Balagha**. Qom: School of Ayatollah Azami Marashi Najafi.
- Ibn Athir, Majad al-Din (1979). **Al-Nahaye Fi Gharib Al-Hadith and Al-Athar**. Beirut: Al-Maktabeh Al-Alamiya.
- Jamshidi Hassanabadi, Javad & Amanullah Naseri Karimund (2016). "**Investigation of the characteristics of hypocrites in the Holy Qur'an**". *Povish Quarterly in Humanities Education*, first year, No 2: 35-44.
- Majlesi, Mohammad Baqer (1982). **Bihar al-Anwar**. Beirut: Al-Wafa Institute, second edition.
- Mehrabi, Amir Hamzeh; Hossein Khanifar, Ali Naghi Amiri, Hassan Zarei Mateen & Gholamreza Jandaghi, (2011). "**Introducing the methodology of data-based theory for Islamic research (providing an example)**". *Organizational Culture Management*, Ninth year, No. 23: 5-30.
- Moin, Mohammad (2002). **Moin Farsi Dictionary, 2 Volumes**. Tehran: Edna Publications.
- Motaghi al-Hindi, Alaeddin Ali bin Hesam (1980). **Kanz al-amal fi Sonan al-Aqwal and al-afal**. Beirut: Al-Rasalah Institute, 5th edition.
- Mofid, Mohammad bin Mohammad (1992). **Al-EKhtesas**. Qom: Al-motamer Al-alami Lalfiyah Al-Sheikh Al-Mofid.
- Nouri Tabarsi, Hossein (1989). **Mostadrek Al-Wasail**. Qom: Al-Elbayt Institute, second edition.
- Tabarsi, Abu Ali Fazl bin Hasan (1994). **Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an**. Beirut: Al-Alami Press Institute.
- Tamimi Amedi, Abd al-Wahed ibn Mohammad (1998). **Gharra al-Hekam and Darr al-Kalem**. Qom: Dar al-Kitab al-Islami, second edition.
- Waram, Ibn Abi Firas (1989). **Waram collection (Tanbiyah al-Khwater and Nazhah al-Nawazer)**. Qom: Maktaba al-Faqih.
- Zarei, Ismail; Laleh Eftekhari & Shukrallah Khakarand (2021). "**Relationship between sedition and hypocrisy in the eyes of the**

Qur'an and the Hadith". *Bi-quarterly specialized scientific journal of educational and social studies of the Qur'an and Etrat, fourth year, 8: 7-31.*

